

نامه‌ی سرگشاده‌ی سرگئی لوزنیتسا پیرامون اخراجش از آکادمی فیلم اوکراین

سرگئی لوزنیتسا

فرزاد عظیم‌بیک

از دیشب مرتباً نامه‌ها و تلفن‌هایی از دوستان و همکارانم در سرتاسر جهان دریافت می‌کنم که نشانگر شگفت‌زدگی‌شان است و درباره‌ی اتفاقاتی که در آکادمی فیلم اوکراین افتاده توضیح می‌خواهند. خود من هم سعی دارم بفهمم چه اتفاقی افتاده است.

من در روز ۲۷ فوریه ۲۰۲۲ این بیانیه را منتشر کردم:

جنگی که روسیه علیه اوکراین برپا داشته یک جور خودکشی و حرکتی ست که دست آخر منجر به فروپاشی رژیم جنایتکار روسیه خواهد شد. همه‌ی دنیا شاهد جنگ میان خیر و شر، حقیقت و دروغ هستند، جنگی در حدواندازه‌های نبردهای کتاب مقدس. پیروزی از آن اوکراین خواهد بود! از بی‌عملی و احتیاط دولت‌ها، نهادهای عمومی و شهروندانی وحشت‌زده‌ام که می‌توانستند به اوکراین نه فقط با کلام، بلکه با اعمال قاطع و سریع‌شان کمک کنند. تراژدی انسانی که پیش چشم‌مان در حال عیان شدن است غالباً به واسطه‌ی سیاست دوگانه‌ی مماشات با هیولا، با سیاست ادامه‌ی تجارت با روسیه تحریک گشته است. برای دهه‌ها، دنیای غرب به جنایاتی که رژیم روسیه در چچن، گرجستان، کریمه، دونباس و دیگر مناطق اروپا و دنیا دست زد پشت کرد، و بر مبنای «عمل‌باوری» مماشات کرد. حالا وقت آن رسیده که جامعه‌ی جهانی بیدار شود، دریابد که چه اتفاقی دارد می‌افتد و این هیولای روسی را درهم بکوبد!

آکادمی فیلم اروپا را به‌خاطر بیانیه‌ی ابتدایی‌شان، که تنها چند روز پس از شروع جنگ صادر شده بود ترک کردم. آن بیانیه در نسبت با خشونت روسیه خیلی بی‌طرفانه، بی‌رمق و سازش‌گر بود. حتی به مخیله‌شان هم نرسید که این جنگ را یک جنگ بنامند.

طی چند روز اخیر، برای مجلات و نشریات فراوانی از اروپا و آمریکا دلایل و گُنه آغاز جنگ را تشریح کردم، و از دنیا می‌خواستم تا در مبارزه علیه خصومت روسی [به ما] ملحق شوند. مثلاً از طریق نمایش دو فیلم *ام دونباس*^۲ و

میدان^۳ به قصد جمع‌آوری اعانه جهت کمک به اوکراین؛ به تخلیه‌ی غیرنظامیان از اوکراین و نیز پناهجویان کمک می‌کنم.

در وضعیت تراژیک جنگی، به‌نظرم آدم باید منطق‌اش را حفظ کند. من بر ضد بایکوت همکاران روس خود، فیلمسازان اهل روسیه هستم. آنانی که از پیش و تا امروز مخالف جنایات رژیم پوتین بوده و هستند.

با بهت‌زدگی بیانیه‌ی آکادمی فیلم اوکراین را خواندم که نوشته بود به‌علت جهان‌وطن بودن از آنجا اخراج شده‌ام. «جهان‌وطن» (cosmopolitan) در یونانی به معنای «شهروند جهان» است. اولین کسی که خودش را چنین نامید دیوژن، فیلسوف عهد یونان باستان بود. زنو متفکر رواقی، فیلسوف آلمانی ایمانوئل کانت، روشنگران فرانسوی ولتر و دیدرو، هیوم و جفرسون هم خودشان را جهان‌وطن می‌نامیدند.

از قرن هجدهم «جهان‌وطن» این معنا را می‌داد: شخصی که در برابر همه‌چیز تازه اعم از مسائل فرهنگی و دینی آغوشی باز دارد و از پیش‌داوری‌های سیاسی مبرا است. این واژه فقط در گفتمان پروپاگاندای دوره‌ی استالینیسم متأخر شوروی، بین سال‌های ۱۹۴۸ الی ۱۹۵۳ بار منفی به خود گرفت.

«آکادمیسین»‌های اوکراینی که اکنون علیه «جهان‌وطنی» حرف می‌زنند هم از همین گفتمان استالینیستی بهره می‌گیرند که بر پایه‌ی نفرت، انکار تفاوت عقاید، تأکید بر حس گناه جمعی و ممنوعیت هرگونه صورت‌بندی انتخاب فردی آزادانه بنا شده بود. یا شاید هم علیه سنت فلسفی دیوژن، زنو، کانت و ولتر هستند؟ آیا آنان بر ضد ارزش‌هایی صف کشیدند که زمینه‌ساز و بستر فرهنگ و جامعه‌ی مدرن اروپایی است - همان زمینه‌ای که می‌گویند به آن تعلق دارند؟ چاره‌ای ندارم اما می‌باید با جزئیات از معناشناسی واژه‌ی «جهان‌وطن» حرف می‌زدم، زیرا بیرون از اتحاد جماهیر شوروی، بحثی که این «اعضای آکادمی» پیش می‌کشند تنها در نگاه شوروی‌شناسان معنا می‌یابد.

هر سال، اساتید زبان روسی در دانشگاه نانت (فرانسه) جشنواره‌ی فیلم‌های کشورهای استقلال‌یافته از شوروی سابق را برگزار می‌کنند. از نامه‌ی آکادمی فیلم اوکراین درباره‌ی این جشنواره مطلع شدم که هزینه‌هایش برعهده‌ی دانشگاه است. امروز با برگزارکنندگان جشنواره تماس گرفتم و فهمیدم که «آکادمی» و اعضای دستگاه‌های فرهنگی اوکراین از تصمیم مبنی بر برگزاری جشنواره حمایت کرده‌اند، اما خواسته‌اند تا تمام فیلم‌های روسی با آثار اوکراینی جایگزین شوند. عین کلمات‌شان این است: «... پیشنهاد دادیم تا تمامی فیلم‌های این برنامه با فیلم‌هایی جایگزین شوند که یا در اوکراین تولید شده یا درباره‌ی اوکراین هستند، تا با این کار فرهنگ‌مان را از سینمای روسیه جدا کنیم (در نامه نوشته بودند «تمییز دهیم»)...»

وقتی برگزارکنندگان جشنواره از انجام چنین کاری سر باز زدند، شخصیت‌های فرهنگی اوکراین بهشان حمله کرده و به آن‌ها توهین کردند. شعار جشنواره "Entre Lviv et l'Oural" است که معنی‌اش می‌شود «در میان لویو و

اورال» و نه آن‌طور که شخصیت‌های «آکادمیک» مان از فرانسه برگردانده‌اند: «از لویو تا اورال». برنامه‌های نمایش فیلم این جشنواره حالت خیریه دارند: تمام مبالغ جمع‌شده برای کمک به اوکراین، تحویل صلیب سرخ می‌شود. این مطلب در وبسایت جشنواره قید شده است. جشنواره را مؤسسات روسی حمایت نمی‌کنند.

«اعضای آکادمی» اوکراین اما نوشتند: «اکنون، حالا که اوکراین برای آزادی‌اش می‌جنگد، مفهوم کلیدی در گفتار^۴ هر اوکراینی باید هویت ملی‌اش باشد.» نه هیچ جبهه‌گیری مدنی‌ای، نه اشتیاقی از برای همبسته کردن تمام مردم با بصیرت و عاشق آزادی جهت نبرد با قساوت روسیه، نه تلاشی جهانی از طرف تمام کشورهای دموکراتیک برای پیروزی در این جنگ، فقط «هویت ملی». متأسفانه این *نازیسم* است. هدیه‌ای به دستگاه تبلیغاتی کرملین از سوی آکادمی فیلم اوکراین.

در نظر اعضای آکادمی فیلم اوکراین، آن‌ها از جامعه‌ی جهانی می‌خواهند که «من را به‌عنوان نماینده‌ی جامعه‌ی فرهنگی اوکراین معرفی نکنند.» هیچ‌گاه در زندگی‌ام نماینده‌ی هیچ جمع و گروه و سازمان یا فرهنگی نبوده‌ام. هرچیزی که می‌گویم یا انجام می‌دهم فقط و فقط عمل و کلام شخصی‌ام است.

برای همیشه یک فیلمساز اوکراینی باقی خواهم ماند.

امیدوارم در این زمانه‌ی غم‌بار، همگی عقل سلیم‌مان را حفظ کنید.

- سرگئی لوزنیتسا، ۱۹ مارس ۲۰۲۲

¹ Pragmatism

² Donbass, 2018

³ Maidan, 2014

⁴ Rhetoric